

# تمدن‌سازان ایران نوین

پیمان ملی و مسئولیت شهروندی در ساختن ایران آینده

دکتر پیمان بخشایش، جراح تروما

MD, PhD, MBA

۱۳ اکتبر ۲۰۲۶

## چکیده

ایران نوین زمانی ساخته می‌شود که ایرانیان، با حفظ اختلاف‌های سیاسی و اجتماعی خود، مسئولیت سرنوشت مشترکشان را بپذیرند. در این مقاله، از دیدگاه یک مشروطه‌خواه، حمایت از شاهزاده رضا پهلوی را پیمانی ملی برای گذار به حکومتی سکولار، دموکراتیک و پاسخ‌گو تعریف می‌کنم. در چنین پیمانی، کارآفرینان، کارگران، فعالان محیط زیست، مدافعان حقوق زنان و جوامع دینی هر یک مسئولیتی مشخص دارند و هیچ‌کدام مالک انحصاری ایران نیستند. استدلال من این است که پهلویسم آینده‌گرا باید با حقوق برابر شهروندان، استقلال نهادها، شفافیت مالی و مشارکت عمومی سنجیده شود. وفاداری به رهبری ملی هنگامی سازنده است که با آزادی نقد و کارنامه قابل بررسی همراه باشد. پیشنهادهای مقاله، از گفت‌وگوی کار و سرمایه تا سامانه مشارکت شهروندی، چارچوبی برای بحث و نهادسازی‌اند و اجرای آنها به قانون، منابع و ارزیابی مستقل نیاز دارد.

کلیدواژه‌ها: ایران نوین؛ شاهزاده رضا پهلوی؛ پهلویسم آینده‌گرا؛ پادشاهی مشروطه؛ شهروندی برابر؛ شفافیت؛ مشارکت عمومی؛ جنبش شیر و خورشید

## روش و چارچوب تحلیل

این مقاله با روش تحلیل مفهومی و بررسی اسناد حقوقی و راهنماهای سیاست‌گذاری نوشته شده است. مبنای هنجاری آن، دیدگاه من درباره آینده ایران است؛ اسناد حقوق بشر، گفت‌وگوی اجتماعی، حفاظت از محیط

زیست و مشارکت شهروندی برای روشن کردن معیارهای نهادی به کار می‌روند. مقاله پژوهش میدانی یا سنجش آماری محبوبیت اشخاص نیست. تعریف پهلویسم و تقسیم مسئولیت‌های پیشنهادی، صورت‌بندی نویسنده‌اند و نباید به‌عنوان تعهد رسمی همه گروه‌های سیاسی یا برنامه مصوب شاهزاده خوانده شوند.

## ایران به‌مثابه مسئولیتی مشترک

وقتی از تمدن‌سازان ایران نوین سخن می‌گوییم، ایرانی را در نظر داریم که مردم آن بتوانند کشور را در کلیت خود ببینند. ایران مجموعه‌ای از زندگی‌ها، زبان‌ها، باورها، حرفه‌ها و تجربه‌های متفاوت است. آینده آن را نمی‌توان به سود یک حزب، یک طبقه، یک خاندان یا یک گروه مذهبی طراحی کرد. هر تصمیمی که درباره اقتصاد، سیاست یا فرهنگ می‌گیریم باید با این پرسش سنجیده شود که برای مردم سراسر ایران چه پیامدی دارد.

این نگاه، اختلاف را از جامعه حذف نمی‌کند. منافع کارگر و کارفرما همیشه یکسان نیست؛ اولویت‌های شهرهای بزرگ و روستاها نیز ممکن است تفاوت داشته باشد. مسئولیت ملی یعنی این تفاوت‌ها را در نهادهای مشترک به رسمیت بشناسیم و برای حل آنها قاعده بسازیم. وابستگی ما به یک سرزمین، زمانی به انسجام ملی تبدیل می‌شود که هر ایرانی بداند حق او به عضویت در گروه پیروز وابسته نیست.

تعبیر «ایران خانه و معبد ماست» برای من بیان مسئولیت در برابر این زندگی مشترک است. حرمت ایران را در احترام به انسان، حفظ طبیعت و درستکاری در اداره امور می‌فهمم. ایرانی‌ت با همین رفتارهای روزمره معنا پیدا می‌کند؛ با کیفیت مدرسه و بیمارستان، با امانت‌داری در بودجه عمومی و با امنیت کسی که نظرش با ما متفاوت است.

## پیمان ملی و جایگاه شاهزاده رضا پهلوی

در نگاه من، دفاع از شاهزاده رضا پهلوی به معنای دفاع از شخص او برای کسب موقعیت نیست. این حمایت، پیمانی ملی با مرکزیت او برای عبور از جمهوری اسلامی و ساختن چارچوبی مشترک است. جایگاه رهبری ملی باید به نیروهای پراکنده امکان همکاری بدهد، اعتماد عمومی را تقویت کند و میدان را برای انتخاب

آزاد مردم آماده سازد. شاهزاده در این تصویر، محور هماهنگی است و نهادهای جامعه باید بتوانند مسئولیت خود را مستقل و پاسخگو انجام دهند.

در وبسایت رسمی شاهزاده، انتخابات آزاد، جدایی دین و دولت، نهادسازی، حقوق بشر و برابری شهروندان در شمار اصول بنیادین آمده‌اند. این اصول، مبنایی برای گفت‌وگو دربارهٔ حدود رهبری و حق انتخاب مردم فراهم می‌کنند. حمایت من از نقش او تفسیری سیاسی است؛ از این حمایت نمی‌توان ادعای نمایندگی همهٔ ایرانیان یا تضمین نتیجهٔ گذار را استخراج کرد. [۳]

من پادشاهی مشروطه را ترجیح می‌دهم، اما مشروعیت نظام آینده باید از روند آزاد تدوین قانون اساسی و رأی مردم به دست آید. شهروندی که جمهوری را ترجیح می‌دهد نیز باید از همهٔ حقوق برخوردار باشد. حق مشارکت در حکومت و دسترسی برابر به خدمت عمومی در مادهٔ ۲۱ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. پیمانی که برای آزادی بسته می‌شود باید این حق را برای مخالفان سیاسی خود نیز محترم بشمارد. [۱]

## پهلویسم آینده‌گرا و نوسازی با مشارکت مردم

پهلویسم در برداشت من، پیوند مدرنیسم، سکولاریسم، تخصص و حقوق شهروندی است. این تعریف را به‌عنوان قرائت آینده‌گرای خود ارائه می‌کنم، نه تعریفی که همهٔ هواداران پهلوی الزاماً پذیرفته‌اند. در نوشته‌های پیشین نیز بر پیوند میراث نوسازی با حاکمیت قانون و حق انتخاب مردم تأکید کرده‌ام. تمدن‌سازی نیازمند توان آموختن از دستاوردها و خطاهای گذشته است. [۲، ۱۲] جنبش شیر و خورشید را در این برداشت، جنبشی برای حقوق بشر و مدرن‌سازی ایران با همراهی مردم می‌دانم.

تکنوکراسی زمانی به جامعه خدمت می‌کند که دانش کارشناسی در اختیار نهادهای پاسخگو قرار گیرد. پزشک، مهندس، اقتصاددان یا مدیر باید مسئله را روشن کند و پیامدهای گزینه‌ها را توضیح دهد؛ تصمیم عمومی نیز باید از مسیر قانونی و قابل نظارت گرفته شود. تخصص، مجوز حذف مردم از تصمیم‌گیری نیست. همان‌گونه که رأی عمومی جای دانش تخصصی را نمی‌گیرد، مدرک دانشگاهی نیز جانشین مشروعیت دموکراتیک نمی‌شود.

نوسازی مطلوب من با مشارکت ملت پیش می‌رود. دولت باید ظرفیت اداره کشور را داشته باشد و جامعه نیز باید بتواند از طریق شوراها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، رسانه‌ها و احزاب بر آن اثر بگذارد. شهروند شدن یعنی داشتن حق و مسئولیت در کنار یکدیگر؛ یعنی فرد بتواند درباره آینده کشور نظر بدهد، تصمیم حکومت را نقد کند و برای بهبود زندگی مشترک سازمان بیابد.

## کارآفرینی و سازمان‌یابی کارگران

در تصویر پیشنهادی من، نیروهای راست و مدافع اقتصاد بازار می‌توانند توان خود را صرف یافتن سرمایه، فناوری، مدیران خلاق و کارآفرینان برای آینده ایران کنند. این جست‌وجو باید به طرح‌های قابل ارزیابی برسد: سرمایه از کجا می‌آید، مالکیت چگونه است، چه شغلی ایجاد می‌شود و چه تعهدی در برابر جامعه و طبیعت وجود دارد؟ جذب سرمایه وقتی به بازسازی کمک می‌کند که قراردادهای روشن و رقابت منصفانه باشد. نیروهای چپ و مدافع عدالت اجتماعی نیز می‌توانند سازمان‌یابی مستقل کارگران و تقویت اتحادیه‌ها و سندیکاها را پیش ببرند. صدای نیروی کار باید درباره دستمزد، ایمنی، ساعات کار و امنیت شغلی شنیده شود. این تشکلهای باید نمایندگان واقعی اعضای خود باشند و بتوانند بدون وابستگی به دولت یا حزب حاکم مذاکره کنند.

سازمان بین‌المللی کار، گفت‌وگوی اجتماعی را شامل مذاکره، مشورت و تبادل اطلاعات میان نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران درباره مسائل مشترک اقتصادی و اجتماعی می‌داند. پیشنهاد من، ایجاد سازوکاری پایدار برای چنین گفت‌وگویی در ایران است؛ سازوکاری که در آن داده‌های اقتصادی و شرایط زندگی مردم مبنای بحث قرار گیرد. [۴]

رشد اقتصادی، بهره‌وری، تورم و هزینه زندگی باید هم‌زمان بررسی شوند. حقوق پایه کارگران را نمی‌توان تا رسیدن به رشد به تعویق انداخت؛ در عین حال، دوام بنگاه و امکان سرمایه‌گذاری نیز باید دیده شود. تقسیم نقش میان چپ و راست در این مقاله پیشنهادی برای همکاری است و آنها را در وظایفی ثابت محصور نمی‌کند. هر حزب می‌تواند برنامه‌ای جامع عرضه کند و برای آن رأی بخواهد.

## محیط زیست در قلب بازسازی ایران

ایران نوین باید جایی باشد که زندگی انسان با بقای آب، خاک، گیاهان و جانوران سازگار بماند. فعالان محیط زیست در کنار رهبری ملی، مسئولیتی دارند که به دوره پس از گذار محدود نمی شود. آنها می توانند از امروز اطلاعات معتبر گرد آورند، پیامدهای طرح های توسعه را بررسی کنند و مطالبات محلی را به برنامه ملی پیوند دهند.

اصول چارچوبی حقوق بشر و محیط زیست، بر دسترسی به اطلاعات، ارزیابی پیشینی پیامدهای پروژه ها، مشارکت عمومی و امکان دادخواهی تأکید می کنند. این معیارها نشان می دهند که حفاظت از طبیعت باید در فرایند تصمیم گیری حضور داشته باشد. [۵] من پیشنهاد می کنم پروژه های بزرگ بازسازی، پیش از تصویب، اثر خود بر منابع طبیعی و زندگی جوامع محلی را به صورت عمومی توضیح دهند.

وقتی ایران را معبد خود می نامیم، باید بتوانیم در برابر تصمیمی که به طبیعت آن آسیب می زند مسئولانه بایستیم، حتی اگر آن تصمیم از سوی جریان سیاسی مورد حمایت ما گرفته شده باشد. رفاه امروز نباید با تخریب شرایط زندگی نسل بعد تأمین شود. حفاظت از زیستگاه ها، مقابله با آزار حیوانات و مدیریت علمی منابع، باید در قانون و بودجه جایگاهی روشن داشته باشند.

## حقوق زنان و برابری در سراسر ایران

احترام به حقوق زنان، برای من نشانه احترام به جامعه و ایرانیست. این احترام باید در زندگی واقعی زنان دیده شود؛ در اختیار تصمیم گیری درباره بدن و پوشش، در امنیت خانه و خیابان، در دسترسی به آموزش و کار و در امکان حضور در مدیریت کشور. برابری نباید فقط تجربه زنان برخوردار در چند شهر بزرگ باشد. فعالان حقوق زنان باید بتوانند با زنان روستاها، مناطق محروم و جوامع قومی و زبانی همکاری کنند. برنامه ای که تفاوت شرایط زندگی را نمی بیند ممکن است در اجرا بسیاری را کنار بگذارد. خدمات حقوقی، آموزش، امکانات درمانی و حمایت در برابر خشونت باید به جایی برسند که نیاز وجود دارد. مشارکت خود زنان در طراحی این برنامه ها ضروری است.

همین منطق دربارهٔ کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت و اقلیت‌های قومی و دینی نیز صدق می‌کند. برابری به معنای نادیده‌گرفتن نیازهای متفاوت نیست؛ گاه برای دسترسی برابر باید حمایت متناسب فراهم کرد. اصل منع تبعیض و برابری در برابر قانون در مواد ۲ و ۷ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، مبنای این جهت‌گیری است. [۱] پیشنهاد من آن است که سیاست‌های عمومی با میزان دسترسی واقعی گروه‌های مختلف سنجیده شوند.

## آزادی باور و دولت سکولار

جوامع دینی بخشی از ایران‌اند و حق دارند باور، آیین و تشکل خود را داشته باشند. در پیمان ملی مورد نظر من، هماهنگی فعالیت مذهبی با کلیت ایران یعنی احترام به حقوق برابر و قوانین عمومی؛ این هماهنگی به معنای کنترل وجدان مردم توسط رهبر سیاسی نیست. هیچ دین یا بی‌دینی نباید شرط برخورداری از حقوق شهروندی باشد.

مادهٔ ۱۸ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، آزادی اندیشه، وجدان و دین، از جمله حق تغییر باور، را به رسمیت می‌شناسد. [۱] سکولاریسم باید امکان زندگی امن برای مؤمن و نامؤمن را فراهم کند. سازمان مذهبی می‌تواند در جامعهٔ مدنی فعالیت کند، اما نمی‌تواند به نام تقدس از پاسخ‌گویی مالی و قانونی معاف شود یا حقوق دیگران را محدود کند.

مبارزهٔ من با اسلام سیاسی، نقد ساختاری است که قدرت حکومتی را با اقتدار مذهبی درهم می‌آمیزد. پایان‌دادن به سرکوب و جرایم منتسب به این ساختار باید از راه مستندسازی، تعیین مسئولیت فردی و دادرسی منصفانه پیگیری شود. نسبت‌دادن گناه به همهٔ مسلمانان یا پیروان یک مذهب با اصول جنبش حقوق‌محور سازگار نیست.

## عبور از امتیاز سیاسی به شهروندی برابر

نقد من به جمهوری اسلامی، متوجه ساختاری است که حقوق عمومی را با معیارهای دینی و اقتدار متمرکز پیوند می‌دهد. در قانون اساسی، اصل ۴ قوانین را تابع موازین اسلامی می‌کند؛ اصل ۲۰ برخورداری از حقوق را با رعایت این موازین بیان می‌کند؛ اصول ۹۱ و ۹۹ به ترکیب و نظارت شورای نگهبان می‌پردازند و اصول ۱۰۷ و

۱۱۰ جایگاه و اختیارات رهبری را تعیین می‌کنند. اینها اجزای حقوقی مشخصی‌اند که باید در بحث دربارهٔ برابری و پاسخ‌گویی بررسی شوند. [۶]

برداشت تحلیلی من این است که تمرکز اختیار و محدودشدن امکان رقابت، زمینهٔ امتیازدهی سیاسی و نظارت ناکافی را تقویت می‌کند. این استدلال به معنای فاسد دانستن تکتک افراد جامعه نیست. مسئله، قواعدی است که دستیابی به فرصت را به نزدیکی با قدرت گره می‌زند. تغییر نام حکومت، بدون تغییر این قواعد، برای رفع رانت کافی نخواهد بود.

برای مقابله با فساد، باید از امروز شیوهٔ دیگری را تمرین کنیم. مناقصهٔ رقابتی، اعلام تعارض منافع، حسابرسی مستقل، دسترسی به اطلاعات و حمایت از گزارشگران تخلف، پیشنهادی من برای نظام آینده‌اند. در توضیح رسمی UNODC دربارهٔ مادهٔ ۹ کنوانسیون مبارزه با فساد نیز شفافیت، رقابت و معیارهای عینی در خرید عمومی و پاسخ‌گویی مالی برجسته شده‌اند. [۷]

## شفافیت مالی پادشاهی مشروطه

اگر مردم ایران پادشاهی مشروطه را انتخاب کنند، تأمین هزینه‌های وظایف عمومی نهاد سلطنت باید بر پایهٔ قانون و بودجهٔ مصوب باشد. هر ریالی که از منابع عمومی پرداخت می‌شود باید موضوع ثبت، حسابرسی و گزارش باشد. هزینه‌های خصوصی خانوادهٔ سلطنتی را نیز باید از هزینهٔ وظایف عمومی جدا کرد؛ نمی‌توان از اکنون همهٔ مخارج یک خانواده را تعهد مالی دولت دانست.

پیشنهاد من، تعیین سقف بودجه، انتشار صورت‌های مالی قابل فهم، نظارت پارلمان و حسابرسی مستقل است. هدایا، تعارض منافع و ارتباط اقتصادی با پیمانکاران نیز باید تابع قواعد روشن باشند. در بریتانیا گزارش سالانهٔ Sovereign Grant برای بودجهٔ وظایف رسمی خاندان سلطنتی و نگهداری کاخ‌های مورد استفاده منتشر می‌شود؛ این نمونه نشان می‌دهد که می‌توان نهاد سلطنت را نیز موضوع گزارش‌دهی مالی قرار داد. [۸]

الگوی ایران باید در قانون اساسی و قوانین مالی خودش تعریف شود. تعلق خاطر به خاندان پهلوی، از مسئولیت توضیح‌دادن دربارهٔ پول عمومی کم نمی‌کند. اعتماد زمانی دوام می‌آورد که مردم بتوانند هزینه‌ها را بررسی کنند و برای اصلاح آنها نمایندگان خود را به پرسش بکشند.

## سامانه مشارکت شهروندی و حدود رأی‌گیری دیجیتال

اپلیکیشن شهروندی می‌تواند یکی از ابزارهای ارتباط مستمر مردم و حکومت باشد. من چنین سامانه‌ای را برای انتشار بودجه، توضیح گزینه‌های سیاستی، دریافت پیشنهاد و پیگیری پاسخ نهادها تصور می‌کنم. شهروند باید ببیند نظرش چگونه بررسی شده و تصمیم نهایی با چه دلایلی گرفته شده است. مشارکت زمانی معنا دارد که راهی برای اثرگذاری واقعی فراهم کند.

باید میان نظرسنجی باز، مشورت عمومی و رأی‌گیری الزام‌آور تفاوت گذاشت. کاربران داوطلب یک اپلیکیشن، نمونه آماری نماینده همه مردم نیستند و رأی آنها را نمی‌توان خودکار به کل جامعه تعمیم داد. راهنمای OECD بر انتخاب روش متناسب، شمول اجتماعی و استفاده از راه‌های حضوری در کنار ابزار دیجیتال تأکید می‌کند. [۹] برای افراد فاقد اینترنت یا مهارت دیجیتال نیز باید امکان مشارکت فراهم باشد.

رأی‌گیری الزام‌آور، قانون و تضمین‌های سخت‌گیرانه‌تری می‌خواهد. توصیه شورای اروپا درباره رأی‌گیری الکترونیکی بر اصول انتخابات دموکراتیک، محرمانگی رأی، امنیت، قابلیت بررسی مستقل و اجرای تدریجی تأکید می‌کند. [۱۰] پیشنهاد من این است که هر سامانه ابتدا در کاربردهای مشورتی آزموده شود و استفاده انتخاباتی آن فقط پس از ارزیابی مستقل و تصویب قواعد روشن صورت گیرد.

آرزوی من آن است که ایران در کیفیت مشارکت عمومی از تجربه‌های موجود فراتر رود. این آرزو با شمار رأی‌گیری‌ها محقق نمی‌شود؛ باید برابری دسترسی، اثر مشارکت و اعتماد قابل سنجش بهبود یابد. هیچ نظامی خدشه‌ناپذیر نیست. نظامی که بتواند خطای خود را آشکار و اصلاح کند، امکان بیشتری برای دوام و همراهی مردم خواهد داشت.

## ساعت صفر و مسئولیت حفظ زندگی مردم

وقتی از تنظیم ساعت‌ها در ساعت صفر سخن می‌گوییم، مقصودم توافق بر قواعد مشترک در آغاز گذار است. باید بدانیم اختیار موقت چگونه واگذار می‌شود، مدت آن چقدر است و چه نهادی بر آن نظارت می‌کند. فرصت بازسازی نباید به مجوز قدرت نامحدود تبدیل شود. اداره دوره گذار باید مسیر رسیدن به تصمیم آزاد مردم را روشن نگه دارد.

صفحه رسمی پروژه شکوفایی ایران، با معرفی نسخه مارس ۲۰۲۶، برنامه مرحله اضطراری برای ۱۸۰ روز نخست و حق مردم برای انتخاب نوع حکومت را توضیح می‌دهد. [۱۱] من این برنامه‌ریزی را موضوعی برای بررسی کارشناسی و بحث عمومی می‌دانم. پیشنهادهای این مقاله درباره مشارکت و شفافیت، دیدگاه من‌اند و جایگزین متن آن پروژه یا اراده مردم نیستند.

تنظیم دوباره ساعت سیاسی، به معنای متوقف کردن زندگی روزمره نیست. آب، برق، درمان، مدرسه و امنیت عمومی باید حفظ شوند. کارکنان حرفه‌ای باید بتوانند خدمات ضروری را ادامه دهند و رسیدگی به مسئولیت‌های قانونی افراد نیز از مسیر مشخص انجام شود. معماری ایران نوین، از توان حفظ زندگی مردم در روزهای دشوار آغاز می‌شود.

## وفاداری و سنجش کارنامه عملی

برای من، شعار «جاوید شاه» بیان وفاداری، عشق و امید به یک پادشاهی مشروطه پاسخ‌گوست. این وفاداری باید ظرفیت نقد داشته باشد. اگر برای مبارزه با حکومت فاسد، اخلاق امتیازخواهی و اطاعت بی‌پرسش را در خود بازتولید کنیم، هدفمان را از درون تضعیف کرده‌ایم. نزدیکی به شاهزاده نباید به وعده شغل، قرارداد یا سهمی از قدرت آینده تبدیل شود.

هر کس که به جنبش ملی می‌پیوندد می‌تواند متناسب با توان و شرایط خود، بخشی از کار را بر عهده بگیرد. وقتی دوباره یکدیگر را می‌بینیم، پرسش اصلی باید این باشد که در این فاصله چه کرده‌ایم: چه نوشته‌ای منتشر شده، چه آموزشی ارائه شده، چه منابعی با حساب روشن گرد آمده و چه رابطه سیاسی یا رسانه‌ای به نتیجه رسیده است؟ معرفی شاهزاده رضا پهلوی و جنبش شیر و خورشید به افکار عمومی اروپا و آمریکا نیز باید با پیام روشن، احترام و اطلاعات درست همراه باشد.

کارنامه باید قابل بررسی باشد. تعداد مقاله‌ها بدون توجه به کیفیت، یا شمار ملاقات‌ها بدون نتیجه مشخص، معیار کافی نیست. جمع‌آوری پول با نحوه مصرف و اسناد آن سنجیده می‌شود؛ فعالیت رسانه‌ای با دقت پیام و مخاطبی که به آن رسیده است. شکست یک برنامه را نیز باید صادقانه توضیح داد تا تجربه آن برای دیگران قابل استفاده باشد.

کرامت انسان را نباید به رزومه سیاسی او تقلیل داد. کسی که به دلیل بیماری، مسئولیت خانوادگی یا خطر امنیتی امکان فعالیت آشکار ندارد، شهروندی کم‌ارزش‌تر نیست. کارنامه مرتبط، صلاحیت و درستکاری، معیار واگذاری مسئولیت در جنبش و حکومت آینده‌اند؛ حقوق شهروندی همگان مستقل از میزان فعالیتشان باقی می‌ماند.

## نمونه ثبت کارنامه مسئولیت‌پذیر

این چارچوب پیشنهادی برای ارزیابی فعالیت است و رتبه‌بندی ارزش انسانی افراد نیست.

| حوزه فعالیت             | خروجی قابل ارائه                  | مبنای بررسی                     |
|-------------------------|-----------------------------------|---------------------------------|
| پژوهش و آموزش           | مقاله، کتاب یا دوره آموزشی        | کیفیت، منابع و استفاده مخاطب    |
| تأمین منابع             | گزارش دریافت و مصرف کمک‌ها        | اسناد مالی و حسابرسی            |
| ارتباط سیاسی و رسانه‌ای | گزارش اقدام و نتیجه مشخص          | صحت پیام و پیگیری نتیجه         |
| خدمات اجتماعی           | گزارش خدمت با حفظ محرمانگی        | نیاز پاسخ داده شده و کیفیت خدمت |
| مدیریت گروه             | برنامه، تقسیم کار و گزارش دوره‌ای | تحقق تعهد و پاسخ به نقد         |

## معماری ایران نوین از امروز آغاز می‌شود

تمدن‌ساز ایران نوین کسی است که ایران را با همه مردمش ببیند و بتواند سهم خود را در بهبود آن توضیح دهد. سرمایه‌گذاری، سازمان‌یابی کارگران، حفاظت از طبیعت، دفاع از حقوق زنان، آزادی باور و شفافیت مالی، اجزای یک زندگی مشترک‌اند. همکاری آنها نیازمند قانون و امکان گفت‌وگوست؛ هیچ بخش جامعه نباید برای شنیده شدن، استقلال خود را واگذار کند.

من شاهزاده رضا پهلوی را محور پیمان ملی برای این راه می‌دانم و از پادشاهی مشروطه دفاع می‌کنم.

معنای این حمایت در رفتار امروز ما آشکار می‌شود: در تحمل نقد، در امانت‌داری و در کاری که برای مردم انجام

می‌دهیم. تمدن آینده را ایرانیانی می‌سازند که می‌توانند با سربلندی درباره کارنامه خود سخن بگویند و هم‌زمان، حق پرسش و مخالفت را برای دیگران محفوظ بدارند.

## منابع

منابع برخط در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶ بررسی شده‌اند. منابع ۲ و ۱۲ برای توضیح تداوم دیدگاه نویسنده‌اند؛ سایر منابع، اسناد و راهنماهای مورد استفاده در تحلیل‌اند.

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد. اعلامیه جهانی حقوق بشر. قطعنامه ۲۱۷ آ، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸. مواد ۲، ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و

۲۳. متن رسمی سند در Refworld سازمان ملل. [پیوند منبع](#)

۲. بخشایش، پیمان. پهلویسم چیست و پهلویست کیست؟ از دولت‌سازی و نوسازی ایران تا قرائتی دموکراتیک برای آینده.

نسخه بازبینی‌شده در ۸ اکتبر ۲۰۲۶. ارجاع برای توضیح دیدگاه نویسنده. [پیوند منبع](#)

۳. وب‌سایت رسمی رضا پهلوی. About Reza Pahlavi، بخش Fundamental Principles. اصول بنیادین و مواضع

اعلام‌شده. بررسی در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶. [پیوند منبع](#)

۴. سازمان بین‌المللی کار. Social Dialogue and Tripartism. تعریف گفت‌وگوی اجتماعی و نقش دولت، کارفرمایان و

کارگران. بررسی در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶. [پیوند منبع](#)

۵. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد. ۵. Framework Principles on Human Rights and the Environment. مارس

۲۰۱۸. به‌ویژه اصول ۷، ۸، ۹ و ۱۰. [پیوند منبع](#)

۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با بازنگری ۱۳۶۸. اصول ۴، ۲۰، ۹۱، ۹۹، ۱۰۷ و ۱۱۰. متن انگلیسی در

مجموعه Constitution. [پیوند منبع](#)

۷. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد. Corruption in Public Procurement، مجموعه Education for

Justice، پودمان ۴. توضیح ماده ۹ کنوانسیون مبارزه با فساد و پاسخ‌گویی مالی عمومی. [پیوند منبع](#)

۸. Royal Household. Financial Reports 2024-25. گزارش وظایف رسمی و بودجه Sovereign Grant، منتشرشده در

۳۰ ژوئن ۲۰۲۵. نمونه مقایسه‌ای گزارش‌دهی مالی. [پیوند منبع](#)

۹. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. OECD Public. OECD Guidelines for Citizen Participation Processes.

Governance Reviews، پاریس، ۲۰۲۲. شناسه DOI: 10.1787/f765caf6-en. [پیوند منبع](#)

۱۰. شورای اروپا، کمیته وزیران. Recommendation CM/Rec(2017)5 on Standards for E-voting. مصوب ۱۴ ژوئن

۲۰۱۷، همراه با پیوست استانداردها. [پیوند منبع](#)

۱۱. کارزار ایران را پس می‌گیریم. Iran Prosperity Project، صفحه رسمی معرفی نسخه مارس ۲۰۲۶ و مرحله اضطراری ۱۸۰ روزه. بررسی در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶. [پیوند منبع](#)
۱۲. بخشایش، پیمان. A Political Framework as Broad as Iran's Political History. نسخه بازبینی شده در ۸ اکتبر ۲۰۲۶. ارجاع برای تداوم دیدگاه نویسندگان درباره پهلویسم آینده‌گرا و رقابت پارلمانی. [پیوند منبع](#)